

روی زمین کوهسار شدند و غمگین باطن از کار خود بازماندند ملائکه
 تحت ایلیمس را سزگون کردند و برادر دریا انداختند و جمل بود
 عقوبت کردند تا گاه از دست ایشان کز خسته جمل بوقبیل برآمد و
 جهان فریادی کرد که همه جنود وی باشندند و هیچ اندر نرفت و ای
 برستاکه ولادت محمد بن عبد الله نزدیک شد بعد از آن عبادت
 لات و عزی و سایر اضماع باطل شود و نور تو صید جهان را فرزند کرد
 و همچنین همه کاهنان در پیش سایر قبایل عرب از ضعیف خویش غریب
 گشتند و معنی کمانت از ایشان مسلوب شد و آن شب بدای از زمین
 و آسمان شنیده میشود که نزدیک آمد وقت بیرون آمدن بیختر
 با هزاره زمین و برکت و نه ماه در جسم آمده قرار گرفت که بیختر
 و جعی و المی بوی از سید و ولادت می صلی الله علیه و سلم روز دوشنبه
 بوده و از دهم ربیع الاول بجا و پنج روز بعد از او محمد صلی
 الله علیه و سلم از برای خراب کردن بدست اعدا زاد الله تعالی
 نشسته و نگریه می کرد و آورده بود در امام غافل تو شیروان
 و نوبت روان بعد از ولادت می بیت و در حال بریت و از این جهت
 در آن زمان

و آن جهان بود که از همه از قبل جانشی در هیچ معجزه بود و لفظ
 امور درین مقام می نمود و در دستار من کینه بنا کرد و قلیس نام نهاد
 و به بیختری توشت که نام ملک کینه بنا کرده ام که در امام حسین
 مثل آن بنوده است میجو اسم که چو عرب را این با تو کرد ام
 و بگذردم که کسی بگوید برود چون این سخن در میان عرب شربت گرفت
 شخصی از قبایل عرب از سر عقیدت بقلیس آمد و در آنجا بقضای
 حاجت نشست و بعضی گویند جماعتی از اعراب التیس که در بنام
 قلیس از حویب بود که زرانند و ده کرده بودند با دین اس باجا
 برد و تمام بسوخت از همه از سر غضب سوختند تا که کوه را خراب کرد
 کذبالت که جسته بیرون آمد و با وی یک فیل بود و در ایت
 ده فیل برد و ایسی از ارض چون نزدیک باختر رسید عبد المطلب
 نثلت امور الهمامه بر ایشان عرض کرد تا باز کردند قبول نکردند
 سوار شدند و فیل که داشتند پیش انداختند اما هر چند فیل را
 بجانب حرم می راندند نرفت و چون بیرون برفت و یکوهر اندر
 دو آن دو آن مرفت عاجز شدند فرود گشتند و نماندند در

و آن فصل بود